



The Historical Evolution of the Position of Women Within the Framework of the Feminist Human Rights Movement and the Islamic Approach to It

Ali Gholamali^{1*}, Zahra Arefi²

1. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Payam Noor University, Tehran, Iran.

2. Attorney at Law, Lawyers Center, Payam Noor University, Tehran-Ray, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 1-16

Article history:

Received: 15 Nov 2024

Edition: 3 Des 2024

Accepted: 2 Feb 2025

Published online: 5 Apr 2025

Keywords:

The position of women; early ignorance; modern ignorance; feminism.

Corresponding Author:

Ali Gholamali

Address:

Iran, Tehran, Payam Noor University,
Department of Islamic Studies.

Orchid Code:

0009-0000-5904-5789

Email:

aligholamali@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Women and their issues are so important that they are considered among the most important and fundamental issues in the world. The aim of this research is to explain the historical evolution of the position of women in the space of the feminist approach to human rights and the Islamic approach.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: The status of women has always been subject to extremes throughout human history, to the point where in the early days of ignorance, women were not given a status; during the industrial revolution in the West, in the form of women's liberation and in feminist movements, not only was a valuable status not created for women based on their spiritual and physical characteristics, but women were also deprived of many of their previous privileges, such as motherhood, wifehood, and being teachers of their generation.

Conclusion: Between these two early ignorance's of history and modern ignorance, Islam has elevated women with all their talents, power and creative potential to a high position. Islam is neither misogynistic nor man-centered like early ignorance, nor is it like modern ignorance (feminism), which is woman-centered and man-centered.

Cite this article as:

Gholamali A, Arefi Z. *The Historical Evolution of the Position of Women Within the Framework of the Feminist Human Rights Movement and the Islamic Approach to It. Jurisprudential Research on Human Rights. 2025.*



دوره دوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

تطور تاریخی جایگاه زن در چهارچوب جنبش فمینیستی حقوق بشر و رویکرد اسلامی به آن

علی غلامعلی^{۱*}، زهرا عارفی^۲

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. وکیل دادگستری، مرکز وکلا، دانشگاه پیام نور، تهران- ری، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: زن و مسائل مربوط به آن از چنان اهمیتی برخوردار است که جزء مهمترین و اساسی‌ترین مسائل دنیا محسوب می‌شود. هدف پژوهش حاضر، تبیین تطور تاریخی جایگاه زن در فضای رویکرد فمینیستی حقوق بشر و رویکرد اسلامی است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: جایگاه زن همیشه در طول حیات بشر دچار افراط و تفریط بوده تا آنجا که در جاهلیت نخستین، برای زن جایگاهی قائل نبودند؛ در هنگامه انقلاب صنعتی غرب نیز در قالب آزادی زنان و در جریان فمینیستی، نه تنها جایگاهی ارزشمند براساس ویژگی‌های روحی و جسمانی برای زن ایجاد نشد بلکه زن را از بسیاری از امتیازات قبلی خود همچون مادری-همسری و معلم بودن نسل خود محروم کرده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه: در مابین این دو جاهلیت نخستین تاریخ و جاهلیت مدرن، اسلام، زن را با همه استعدادها، توان و ظرفیت خلقتی خود، به جایگاهی رفیع رسانیده است. اسلام نه مثل جاهلیت نخستین، زن‌ستیز است و نه مرد محور و نه مثل جاهلیت مدرن (فمینیسم) که زن محور است و مردستیز.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶

واژگان کلیدی:

جایگاه زن؛ جاهلیت نخستین؛

جاهلیت مدرن؛ فمینیسم.

نویسنده مسئول:

علی غلامعلی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، گروه

معارف اسلامی.

کد ارکید:

0009-0000-5904-5789

پست الکترونیک:

aligholamali@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از چالش برانگیزترین مباحث تاریخ تفکر بشر رسیدگی به تعیین جایگاه انسان و تعریفی جهان شمول از این جایگاه و ویژگی های آن بوده است. اما این تعریف در ورطه ای از تاریخ بعد تک جنسیتی داشته و به صورت کاملاً افراطی تعریفی که از جایگاه انسان ارائه شد تنها به جنس مذکر و ویژگی های او اشاره شده است. در نگرش جدید که درباره انسان به وجود آمد (انسان اجتماعی) که مبنای هر قضاوتی قرار گرفت که می بایست این انسان به زندگی مادی، رفاهی و لذت پروری خود بپردازد. در حقیقت تعاریف اخیر از جایگاه و خود انسان مبدا تمام تغییرات اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و سیاسی تحولی عظیم در علم و تمدن شد (برگسون، ۱۳۸۵، ۱۹). اما تعیین جایگاه زن در نگرش جاهلیت نخستین همان تعیین جایگاه انسانی زن یعنی اثبات یا رد (انسان بودگی) او می باشد آنجا که فلاسفه ابراز داشته اند که زن یا انسان هست یا خیر و البته می توان گفت زن انسان است ولی در این ماهیت ناقص تراست که صدق این ادعا عبارتی است که در فصل های بعد با ذکر گویندگان آن در مورد طفیلی دانستن زن در آفرینش یا اینکه زن برای خدمت به مرد آفریده شده است که نشان دهنده " جایگاه ارزشی زن " و سلب انسانیت از زن بوده است ارائه خواهد شد اما آنچه به جایگاه زن در نگرش جدید که برگرفته شده از نظام فکری فمینیسم بوده است گرفتن حداقل مسئولیت های فردی زن که در همان جاهلیت نخستین با همان کیفیت پایین جزء ویژگی های زن بر شمرده می شده است و دادن صرفاً مسئولیت های اجتماعی که در راستای منافع اقتصادی ملل تعریف می شده است. بدین سبب این تفکر جاهل جاهلیت مدرن نام گرفت

که اقتضای زمان خاصی را بر حسب ضرورت به کل ادوار تعمیم میداد. با انقلاب صنعتی و تحولات بعد از جنگ جهانی اول و دوم که از شمار مردان جامعه به واسطه ی جنگ کاسته و یا معیوب و غیر کارآمد شده بودند و بسیاری از خانواده ها عملاً یا بی سرپرست یا بدسرپرست و یا سرپرستی بودن کارایی قبل شده بودند از این رو زنان به کارخانه ها روی آورده و در مقابل کارخانه داران در اعلامیه های خود آنان را به کار فرا می خوانند چرا که کارگران زن ارزان تر و در مقایسه با مردان سرکش با حقوق بالا مناسب هم بودند. اما در این میان مشکلاتی دیگر به مشکلات قبلی اضافه شد (موتراکین، ۱۳۸۳، ۴۲) -۱ مردان برای یافتن شغل مناسب با درآمد کافی برای گذراندن زندگی خود و خانواده دچار مشکل شدند ۲ - زنان با این حقوق اندک قادر به تامین زندگی خود و خانواده نبودند در این میان کم کم زمزمه های قیام زنانه برای افزایش دستمزد زنان از گوشه کنار کشور های جنگ زده و درگیر جنگ به گوش میرسید تا آنجا که اولین فتوحات آن یعنی قانون استقلال مالکیت زن در دستمزد و کار خود در پارلمان انگلستان بود اما این تبیین جایگاه زن نبود چرا که زنان از خانه به کارخانه آمده بودند و به اجتماع و ادارات پیوسته بودند اما همچنان از حقوق و امتیازات اولیه انسانی بی بهره بودند بنابر این این تفکر برای رفع نواقص خود از جایگاه زنانه خود عدول کرده و خود تحقیقی به جایی رسید که برای رسیدن به این جایگاه تخیلی همه جا کوشیدند که مرد شوند و کارهای مرد ها را انجام دهند مانند او فکر کنند حرف بزنند سیگار لباس بکشند بپوشند مدیریت بکنند تا دیده شوند. یعنی زن را در برابر فطرت و آفرینش

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که جایگاه زن همیشه در طول حیات بشر دچار افراط و تفریط بوده تا آنجا که در جاهلیت نخستین، برای زن جایگاهی قائل نبودند؛ در هنگامه انقلاب صنعتی غرب نیز در قالب آزادی زنان و در جریان فمینیستی، نه تنها جایگاهی ارزشمند براساس ویژگی‌های روحی و جسمانی برای زن ایجاد نشد بلکه زن را از بسیاری از امتیازات قبلی خود همچون مادری-همسری و معلم بودن نسل خود محروم کرده است.

۵- بحث

۵-۱. جاهلیت نخستین در مورد جایگاه زن

در این بخش جاهلیت نخستین در مورد جایگاه زن در سرآغاز شکل‌گیری تمدن مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۵-۱-۱. تمدن یونان

در کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت یکی از عوامل به اوج رسیدن این تمدن را عدم مداخله و انگیزش زنان می‌داند و این شعار را تکرار میکند؛ نام یکشا زن پاکدامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان نگه داشت (دورانت، ۱۳۷۶، ج ۲، ۲). «در یونان زن جزو کالاهای تجاری بود و در بازارها خرید و فروش می‌شد و بعد از فوت شوهر حق زندگی نداشت» (نوری، بی‌تا، ۱۵). یا در جایی دگر ویل دورانت در رابطه با

خود قرار دادند و از موجودی مهربان - احساساتی و هنرمند فردی خشن - بی عاطفه و افسرده پدیدار شد. اما در این میان اسلام و آنچه از آنان کتاب قرآن برآمده همگی دال بر انسانیت زن و مرد و خلقت حکیمانه و عالمانه هر دوی آنها است آنجا که با فراتر از فرر انسانیت این دو موجود گذاشته که هر موجودی مظهر اسمی از اسماء خداوند است که جامع و جمیع صفات حق همان صفات جمالیه و جلالیه اوست آنچه از صفات که به صفت لطف رحمت و رضا تعلق گیرد به صفت جمال و آنچه به قهر و غضب و سخت است صفت جلال است و از همه عجیب تر آنکه در باطن هر صفت جمال - جلال و در باطن هر صفت جلال جمال نهفته است یعنی هرگز جمال بدون جلال و جلال بدون جمال وجود پیدا نمیکنند و اما زن مظهر جمال حق و مرد مظهر جلال است. پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می- باشد این است که، تطور جایگاه زن در رویکردهای فمینیستی و رویکرد اسلامی چگونه است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که روند تطور جایگاه زن در جنبش‌های فمینیستی از ابتدای شکل‌گیری به صورت افراطی در حال تغییر است اما در رویکرد اسلامی، جایگاه اصلی زن با در نظر گرفتن آموزه‌های قرآنی به صورت ثابت و در کنار مرد بلکه در مواردی بالاتر از مرد قرار گرفته است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

این مسئله را گوشزد می‌کند که زنان تابع مردان و تنها وسیله خاموش ساختن شهوت آنانند.» (صدر، ۱۳۹۷، ج ۱، ۱۲). در نتیجه، همان‌گونه که گذشت، در تمدن یونان، زن را نماد نقصان و ضعف قلمداد می‌کردند، اما مردان را نماد کامل بودن و قدرت محسوب می‌کردند؛ و این رویکرد متعلق به توده مردم عوام نبود بلکه رویکرد فلاسفه و صاحبان اندیشه این تمدن بوده است.

۵-۱-۲. جایگاه زن در تمدن هند و چین

در قانون نامه هانو درباره زن چنین می‌گوید؛ سرچشمه ننگ، زن است، سر چشمه‌ی وجود زیرین، زن است پس باید از زن پرهیز کرد بر همین اساس زن در تمام عمر خود بایستی تحت سرپرستی کسی باشد؛ نخست پدر، سپس شوهر و سرانجام پسرش. (فتاحی زاده، ۱۳۸۶، ۲۹). در آیین بودا، وضعیت زن را با این گفتار آنان می‌توان تشخیص داد؛ زن چون تمساح و نهنگ مخوف خون آشامی است که در رود زندگی منتظر می‌نشیند تا شناوری را شکار خود کند در باب زنان تارک دنیا، با شرایطی بسیار سخت آنان را برای ترک دنیا می‌پذیرند. (نوری، بی‌تا، ۱۰۸). زنان در آیین برهمنی هم مساوی با پاریاها بودند، پاریاها که از جامعه طرد شده و از هرگونه حقوق انسانی بی بهره بودند و بر این اساس زنان هم همچون پاریاها حق فراگرفتن - قرائت کتاب‌های مقدسه و دها، پرستش الهه را نداشتند. همچنین موقعیت اجتماعی زن در چین بسیار پایین و در حد نداشتن آن بود چینی‌ها وقتی فرزندانشان دچار عوز می‌شدند، او را به دریا می‌انداختند. در تاهیتی والدین فرزندان خود را میکشند بدون آنکه کسی معترض آنان شود. (دورانت، ۱۳۷۶، ج ۱، ۶۲). در نتیجه، وضعیت زن در

یونان باستان می‌نویسد؛ در ادبیات یونان همه جا در پی از خطاها و زشت کارهای زنان سخن می‌رود. زن یونانی حق عقد قرارداد ندارد و نمی‌تواند بیش از مبلغ ناچیزی وام بستاند و اقامه دعوی در محکمه برایش ممکن نیست. زنان پس از مرگ شوهر از ارث او سهمی نمی‌بردند. عقیده جاری در یونان مبنی بر این بود که نیروی توالر از آن مرد است و زن جز حمل طفل و پرستاری وظیفه‌ای ندارد (دورانت، ۱۳۷۶، ج ۲، ۴۸). یونان قدیم زن شخصیت انسانی نداشت و به آسانی خرید و فروش میشد (دورانت، ۱۳۷۶، ج ۲، ۶۰-۶۱). فیثاغورس ریاضی‌دان مطرح یونانی می‌گوید؛ بگشا منشا خوبی وجود دارد که (نظم) (نور) (مرد) را ایجاد کرده و بگشا منشا شیطانی وجود دارد که (هرج و مرج) (تاریکی) و (زن) را ایجاد کرده است. (راجی، ۱۳۹۲، ج ۱، ۱۹). در فلسفه‌ی انسان‌شناسی و اجتماعی ارسطو، در نگاه وی، زنان در ردیف بردگان برای خدمت رسانی به دسته‌ای از مردان صاحب فضیلت بودند. (علاسوند، ۱۳۹۰، ج ۱، ۱۰۰). البته با این تفاوت که وظیفه بردگان خدمت به اربابان و وظیفه زنان تولید مثل و زاییدن بود. (موتراکین، ۱۳۸۳، ۱۱۴ و ۱۱۶). «از نظر ارسطو، اگر تولید مثل نبود هرگز به آفرینش موجودی که ناقص است، نیازی نبود و ارسطو زن را دارای خلقتی ناقص می‌دانست» (موتراکین، ۱۳۸۳، ۱۲۱). «در تمدن بزرگ یونان، زن جایگاهی نداشت و وظیفه او را در خدمت به مرد و ارضا کننده غریزه جنسی او می‌شمردند. (موتراکین، ۱۳۸۳، ۳۳۹). «سقراط، سلوک بازان را نوعی زجر و ریاضت کشی می‌دانست و چشیدن این زهر و تحمل این زجر را برای تقویت اراده و مالکیت نفس می‌شمرد؛ هومر وظایف شان را به باروری و خانه‌داری محدود می‌دانست و در اشعارش پیوسته

ستیز در عقاید آنان وارد شده و آنان به زن نگاهی چون یوحنا زین دهن بطرک قسنطینه داشتند آنجا که می‌گوید؛ شری ضروری، وسوسه ای طبیعی، مصیبتی مطلوب، خطری خانگی، جذبه ای مهلک، اسپیی رنگارنگ. زن، همان «حوای جسم» در همه جا بود که آدمی را از فردوس برین محروم می ساخت و هنوز الات مطلوبی بود در دست شیطان، برای اغفال مردان و فرستادن آنان به دوزخ، قانون کلیسا زن را موظف به اطاعت از شوهر نمود، چرا که این مرد بود که شبیه خداوند آفریده شده بود، نه زن، واضعین احکام شریعت می گفتند؛ از این رو آشکار است که زنان باید تابع شوهرانشان و تقریباً کنیزان آنان باشند» (دورانت، ۱۳۷۶، ج ۱، ۱۱۱-۱۱۲). پولس که به زعم مسیحیان از شاگردان حضرت عیسی (ع) بوده است، در کتاب رساله، باب ۲، آیه ۱۱، او خود روبه قرنطیان گفته است: «مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است. مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد آفریده شد. زنان باید شوهران خود را همانند خدا اطاعت کنند.» در بعضی از منابع مسیحیت مانند انجیل کاتولیک، فصل سوم، آیه ۲۲، دیده شده که «تولد یک نوزاد دختر برای پدر او ناراحت کننده بود چرا که باعث آبروریزی او محسوب می شد. در انجیل کاتولیک آمده است؛ زایش دختر یک خسارت است.» همچنین ذیل فصل ۲۶، آیات ۱۰ و ۱۱ بیان شده است: «دختر تو نافرمان است به شدت مراقب او باش که باعث نشود تو سبب خنده دشمنان واقع شوی و سر زبان ها بیفتی و در معرض شایعات قرار گیری و ابروی خود را میان مردم بریزی.» «احکام فروخته شدن دختران به عنوان کنیز که برای آن هم قوانینی وضع شده بود یادگاری از احکام عهد عتیق است که مسیحیان این احکام را از

دوران جاهلیت تمدن هند و چین اساساً یک وضعیت بسیار نامطلوب و نابسامان بوده است.

۵-۱-۳. جایگاه زن در آیین یهود

در فرهنگ یهود زن، انسان طبقه دوم به شمار می رفت و هیچ حقی برای زنان قائل نبودند. (آشتیانی، ۱۳۶۸، ۳۹). در بیان تورات، ذیل عهد عتیق، کتاب امثال سلیمان، باب ۱۲، آیه ۲۸، مرد به صورت ذات حق آفریده شده است، زن جزئی از طبیعت اما مرد برتر از طبیعت است. همچنین در این نگاه، زن جنس دوم و برآمده از جسم مرد است و هدف از خلقت زن، همراهی و مساعدت با مرد می باشد. در یکی از نسخه های تورات (در کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب اول، آیات ۱ تا ۳۱ و باب دوم آیات ۲ تا ۲۳) آمده؛ «زمانی که مرد توانست در میان موجودات زوجی برای خود بیابد، خداوند او را در خواب برد و یکی از دنده هایش را برداشت و حوا را از آن آفرید و ادم متوجه شد این موجود از گوشت و استخوان اوست و او را زن نامید.» در این آیین تحریف شده، حوا دارای شخصیتی وسوسه گر و منفی معرفی شده که همه زنان از مادرشان حوا حلبه و تلبین را به ارث می بردند در نتیجه همگی نادرست کار و دارای اخلاقی پست و گناهکارند. در جاهلیت یهود داشتن دختر، مایه ننگ بود؛ زنان یهودی داشتن پسر زیاد را مایه افتخار و افزایش احترام خود نزد همسر می دانستند.

۵-۱-۴. جایگاه زن در آیین مسیحیت

اگر چه در تعالیم حقیقی مسیح، زن و مرد دارای کرامتی یکسان بوده اما از آنجا که آیین مسیحیت دچار تحریف شده است «بسیاری از جاهلیت های زن

آنکه تاثیر خرافات و اوهام نیز رواج این رسم زشت را بیشتر از پیش تکثیر کرد، اعراب، تربیت و پرورش دختر و بعد تسلیم کردن او به مرد جنبی بنام شوهر را مخالف شرافت و شجاعت و حیثیت مرد، خانواده و قبیله می‌دانستند.

۵-۲. جاهلیت مدرن (فمینیست) در مورد جایگاه زن

تکانه اصلی در تفکر فمینیسمی را (مری ولستون کرافت) ایجاد کرد وی بعد از نقد شدید دیدگاه‌های افرادی چون ژان ژاک روسو توانایی زنان و مردان را برابر می‌دانست و او معتقد بود زنانگی زنان بیش از آنکه محلول زیست‌شناسی باشد ساخته فرهنگ و آموزش است. به همین سبب پر ضرورت آموزش عقلانی زنان تاکید داشت. کتاب او را که استیفای حقوق زنان ترجمه شده است انجیل فمینیسم می‌خوانند (جیمز، ۱۳۸۲، ۸۲). «مونا شارن، نویسنده آمریکایی در مقاله اشتباه فمینیسم‌ها می‌نویسد آزادی زنان برای ما افزایش درآمد، سیگار ویژه زنان حق انتخاب برای تنها زیستن و تشکیل خانواده یک نفره، ایجاد مراکز بحران تجاوز، اعتبارات فردی، عشق آزاد زنان متخصص بیماری‌های زنان را به ارمغان آورد، ولی در ازای آن، چیزی را به غارت برد که خوشبختی بسیاری از زنان در گرو آن است و آن وجود همسر و خانواده است.» (صدیقی، ۱۳۷۸، ۶۹).

۵-۲-۱. امواج فمینیستی

از نظر تاریخی بیشتر نویسندگان برای تکامل جریان فمینیستی دو موج را شناسایی کردند، که البته استفاده از این تعبیر موج برای اشاره به جذرومد رویدادهاست که در تاریخ فمینیست گاه بسیار فعال

جانب خدا می‌دانند. در میان برخی از مسیحیان نیز تنها سخن از برابر بودن ارزش زن و مرد نیست بلکه در ماهیت و انسان بودنش نیز شک می‌کنند» (علویقی، ۱۳۷۸، ۳۷). در نتیجه با توجه به آن‌چه که گذشت، در آیین مسیحیت و آثار منتسب به نسل اول آن‌ها یعنی حواریون، زن جایگاهی نامناسب داشته است؛ البته این امر بدان معنا نیست که آموزه‌های حضرت مسیح (ع) جایگاه مناسبی برای زنان قائل نبوده است، بلکه تحریف‌های تاریخی در عمل منتهی به چنین وضعیتی شده است.

۵-۱-۵. جایگاه زن در اعراب قبل از اسلام

در مورد جایگاه زن در میان اعراب پیش از اسلام دو عقیده متفاوت وجود داشت «بعضی از محققین عنوان کردند که؛ زن عرب پیش از اسلام، با عفت و شرافت زندگی می‌کرد و از آزادی و اختیارات کافی بهره‌مند بود و استقلال رای و اراده داشت، به ویژه زن بادیه نشین همکار مرد و شریک سختی و راحتی وی در سفر و حفر بوده است.» (زیدان، بی‌تا، ج ۲، ۵۷۹) «برخی دیگر معتقدند زن در عصر جاهلیت نخستین، جایگاه انسانی و اجتماعی شایسته‌ای نداشت، چنان که آیات قرآن نیز موید همین معنی است. در ذلت و خواری زن همین بس که حیاتش مایه ننگ و عار بود. البته زنانی همچون حضرت خدیجه نیز یافت می‌شدند که از کرامت و شان بالایی برخوردار بودند، اما اینان جزء استثناها به شمار می‌آیند.» (ابوزهره، ۱۹۷۵، ۷۷).

دخترکشی اعراب شاید فقط به علت تنفر از زن نبود و دلایلی دیگر چون ترس از فقر و بدبختی و بی‌چیزی، چرا که دختر را چون پسر توانا برای کار کردن و رفع نیازهای اقتصادی خانواده پر بهره‌نمیدیدند یا

و شرط مطرح می شد.)؛ ایجاد مهد کودک های شبانه روزی و رایگان، تحت نظارت مقامات محلی؛ استقلال مالی زن شوهر دار؛ پایان بخشیدن به تبعیض بر ضد زنان هم جنس گرا (راجی، ۱۳۹۲، ۱۳۲)؛ رها شدن زنان از از ارباب هایی که آنان را بدون در نظر گرفتن وضعیت تاهل و از طریق تهدید و خشونت یا اجبار جنسی و یا به کار گرفتن این اهرام می آزارد؛ پایان بخشیدن به حیات قوانین، پندار ها و نهاد ها یی که سلطه جنس مذکر برجنس مونث و ستیزه جویی مردان را در مورد زنان تداوم می بخشد. (فتاحی زاده، ۱۳۸۶، ۸۹).

۵-۲-۲. پایان بخشیدن به تبعیض بر ضد زنان همجنسگرا

آنچه از این مهم برمی آید همان بر زمین زدن قدرت شرق و شوروی سابق بود چرا که با پا به عرصه اقتصاد گذراندن زنان نان را بیش از پیش آماده زندگی بدون حضور مردان می کرد تفکرات فمینیستی زنان شرق که همان برابری زن و مرد بود برابری زن و مرد بود زنان را در قدرت و اقتصاد همپای مردان می دید تحت تاثیر این تفکر و برای فرار از تنهایی زنان بدون مرد ناگزیر می شدند که از این الگو زنان همجنسگرا تقلید کنند یعنی آمریکا در ابتدا هر جامعه هدفش فراتر از تفکرات فمینیستی خود، هدفش بر زمین زدن قدرت شرق از طریق از هم پاشیدن خانواده شرقی و در نهایت کنترل جمعیت شرقی که مانعی برای منافع اقتصادی سیاسی نظامی آمریکا بود مصداق این مطالب آن چیزی است که ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان کنار انحراف بزرگ در ایالات متحده آمریکا شناخته و مورد استقبال مردم آمریکا قرار نگرفت تا آنجا که به دلیل ماهیت غیرقانونی که کافه های همجنسگرا

و گاه در افول بوده است. موج نخست را بعضی ها اوایل قرن نوزدهم تا پس از، جنگ جهانی اول یعنی تا ۱۹۲۰ می دانستند (مکنزی، ۱۳۵۷، ۳۵۲). و بعضی دیگر از اوایل قرن نوزدهم تا پس از جنگ جهانی دوم ۱۹۴۵. (وایت و هینز، ۱۴۰۱، ۱۲) و برخی دیگر در حدود اواخر دهه ۱۹۵۰ می دانند البته همزمانی با رواج اصول لیبرالیسم، باعث شد این موج به نام فمینیسم لیبرال اولیه نامیده شود. این تفکر از برابر و حقوق سخن می گفت و نکته کلیدی اینکه با نقش همسری و مادری نمی جنگید و با اعتقاد به همیت این نقش ها خواهان تساوی حضور زن و مرد در اجتماع بود و دیگر مطلب مهم در این دوره برای فمینیست ها دستیابی زنان به قدرت سیاسی و از این طریق دریافت امتیاز حق رای برای زنان بود. که در نهایت سال ۱۹۲۰ به ادعای یان مکنزی و در جایی دیگر به ادعای سوزان جیمز و یا سال ۱۹۵۰ به ادعای یان مکنزی و در جای دیگر به ادعای سوزان جیمز و یا ۱۹۵۰ در ادعای راب وایت و فیونا هینز به نتیجه نشست و زنان مهمترین دستاورد در این موج را یعنی کسب حق رای به دست آوردند و بعد از آن نهضت زنان رو به افول نهاد و این به خاطر تقارن با جنگ های جهانی بود. موج دوم؛ به روایت های متفاوت موج دوم نهایتا در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد میلادی با نام جنبش آزادی بخش زنان که دستور کار اجتماعی خود را ایجاد و دگرگونی های اجتماعی بنیادین قرارداد. (وایت و هینز، ۱۴۰۱، ۱۴) که عبارت است از: برابری دستمزد؛ فرصت های مساوی تحصیل و اشتغال؛ آزادی زنان برای جلوگیری از بارداری و سقط جنین در صورت درخواست (در قالب نظر به حق تسلط بر بدن برای زنان و مردان در تمایلات جنسی و حق ارضا غریزه جنسی بدون قید

برای پروژه انقلاب جنسی هموار کرد اگر چه این تفکر خواستار رهایی و آزادی از سلطه مردان بود و انقلاب جنسی را نوعی آزادی بدن محسوب می‌کرد اما به شهادت تاریخ در سال ۱۹۵۳ (هیوهفز) یک ناشر آمریکایی مجله با عنوان پلی بوی چاپ کرد. در اولین چاپ آن عکس نیمه عریان مرلین مونرو را بر روی جلد آن مجله گذاشته و نوشت اگر شما مردی بین ۱۸ تا ۸۰ سال هستی پلی بوی برای شما مناسب است. (علویقی، ۱۳۷۸، ۲۹) تفکیک قائل شدن فمینیست‌ها برای دو مفهوم جنس و جنسیت؛ مرد از جنس، زن دسته از ویژگی‌های زنانه که منشا زیستی دارند مانند بارداری و زایمان. منظور از جنسیت نیز همه ویژگی‌های رفتاری است که خانواده اجتماع و فرهنگ به نام زنانه ساخته‌اند و به زنان تحمیل می‌کنند. عاطفی تر بودن زنان مادری و اطاعت پذیری بخشی از این ویژگی‌های ساختگیست. (هام و گمبل، ۱۳۸۲، ۳۹۸، ۱۸۱-۱۸۳). و این یعنی جدایی زن، ژنوم و صفات در حالی که ژن‌ها حاملین صفات می‌باشند.

۵-۳. جایگاه زن در اسلام به عنوان الگوی سوم

برای بررسی دیدگاه اسلام نسبت به زن و الگوی سوم معرفی شده از طرف آن بایستی از دو منبع قرآن و سنت وارد شویم از آنجا که منبع اصلی مسلمانان قرآن بوده و روایات حجیت و اعتبار خود را از قرآن می‌گیرند و همچنین به فرموده پیامبر (ص) و ائمه (ع) می‌بایست برای عمل به روایات آنها را بر قرآن عرضه داشت و در صورت مطابقت بدان عمل کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۲۲۷). از اینرو به نظر نویسندگان این پژوهش بهتر برای جلوگیری از

داشتند اغلب توسط گروه‌های سازمان یافته اداره می‌شدند که حتی صاحبان و مدیران آن به ندرت همجنس‌گرا بودند و تا اینکه ۱۹۶۵ و ۱۹۶۹ یک سری فعالیت‌ها و تظاهرات اتفاق افتاده که در نهایت در سال ۱۹۷۳ سازمان ملی زنان قطعنامه صادر کرد که حقوق زنان همجنس‌گرا به رسمیت شناخت (برگسون، ۱۳۸۵، ۳۴۹). اتفاقاً دولت آمریکا به طور غیر مستقیم حمایت کرد و بنیاد فورت به این صورت بود که آنان در این راستا اقداماتی چون؛ ۱- حمایت مالی بنیاد فورد از تولید فیلم‌ها کتاب‌ها و مجلات و تئاترهایی که مضامینی همجنس‌گرا داشتند مثل فیلم‌های راینگمار برگمن، رمان‌های هنری یالر مجله پولی بوی ۲ حمایت بنیاد فورد از کنفرانس‌ها و سمینارها و کارگاه‌های و نشریاتی که افراد مختلف کارشناسان و رهبران کشورهای مختلف به ویژه کشورهای تفکر غیر آمریکایی دارند گرد هم آورده و درباره موضوعاتی مثل رفتار جنسی آموزش جنسی سیاست جنسی و آزادی جنسی بحث و گفتگو کند ۳. در سال ۱۹۶۶ بعد از برملا شدن تامین مالی کنگره آزادی فرهنگی توسط سازمان سیا آمریکا تا سال ۱۹۷۹ این کنگره از طریق بنیاد فورد تامین مالی می‌شد کار اساسی کنگره آزادی فرهنگی، ترویج آزادی جنسی به عنوان یک ارزش برجسته آمریکایی هم در ایالات متحده و هم در کشورهای دیگر بود. این کنگره در اوج خود در ۳۵ کشور فعال بود.

مطرح شدن نظام پدرسالاری و انتقادات به این نظام و بقیه گام‌هایی چون پایان بخشیدن به قوانین سلطه‌گری مردان به زنان و رهایی زنان از ارباب‌هایی که آنان را بدون در نظر گرفتن وضعیت تاهل از طریق تهدید به خشونت یا اجبار جنسی همه و همه راه را

جایی علامه طباطبایی شاهدهی بر یگانگی گوهر زن و مرد ایه های با ترجمان «بعضکم من بعض» را می‌داند و تصریح می‌کند که: خداوند هر انسانی را از دو انسان دیگر مونث - مذکر ایجاد کرده است. هر یک از زن و مرد با یکدیگر و به یک نسبت در ایجاد ساده و وجود فرزند خود دخیل هستند (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۲، ۲۶۹) و این تفسیر علامه خط بطلانی بر ادعای بسیاری از مکاتب قبل از اسلام که تشکیل نطفه را یکسره به مرد نسبت داده و زن را بی تاثیر می‌دانستند بنا بر آیات ذکر شده و تحقیقی اجمالی و قرآن متوجه می‌شویم که بیش از ۲۰۰ آیه درباره زن و روابط او با مرد وجود دارد. قرآن آفرینش زن و مرد را از آغاز خلقت در موضوعاتی چون سجده فرشتگان - دیدن روح الهی - تعلیم، عهد، وسوسه شیطان - عصیان تلقی کلمات و توبه یکسان دیده (بقره آیات ۳۰-۳۸، نساء آیه ۱، عمران آیات ۱۰-۲۷، حجر آیه ۲۶-۴۲، نحل آیه ۷۲، اسرا آیه ۶۴-۶۰، کهف آیه ۵۰، طه آیه ۱۵-۱۲۳، روم آیه ۲۱، ص آیه ۷۱-۸۳، حجرات آیه ۱۳، نجم آیه ۴۵-۴۶، قیامت آیه ۳۷-۳۹، انسان آیه ۲-۳، لیل آیه ۳) و در ارزش‌های انسانی چون ایمان - عمل صالح (سوره - های نحل آیه ۱۹۷، نسا آیه ۲۴، غافر ۴۰، اسرا آیه ۱۹، ال عمران آیه ۱۹۵، عصر ۱-۲، نجم آیه ۳۹) علم (سوره‌های مجادله آیه ۱۱، زمر ایهد ۹ و بقره آیه ۱۵۱) تقوا (سوره حجرات آیه ۱۳) سبقت و ایمان (سوره واقعه آیه ۱۰-۱۱) و راه خوشبختی (سوره‌های حمد آیه ۵ و یس آیه ۶۱ بقره آیه ۱۴۲، مؤمنون آیه ۷۳) در عضی از آیات پا فراتر از یکسان بودن زن و مرد رفته تا جایی که در سلوک معنوی زن فرعون (آسیه) و حضرت مریم را الگوی همه مؤمنان اعم از زن در معرفی می‌کند (سوره تحریم آیه ۱۰-۱۱) قرآن

خطای استناد به روایاتی بی اعتبار و گاه گمراه کننده و اصل منبع یعنی قرآن مراجعه کنیم.

سه دسته آیات در قرآن کریم دال بر اشتراک زن و مرد در جایگاه انسانی وجود دارد.

الف. آیات مربوط به سعادت بشر و اشتراک زن و مرد در وصول به آن مانند ۵۷ سوره حدید آنجا که می‌فرماید؛ آن روز که مردان و زنان مومن را می بینی که نورشان پیشاپیش و به جانب راستشان روان است (به آن می‌گویند) امروز شما را مژده باد به باغ‌هایی که از زیر (درختان) آنها نهرها روان است. در آنها جاویدانید. این است همان کامیابی بزرگ. مباحث برگرفته شده از مضمون این آیات اشتراک زن و مرد در تکلیف مندی و مسئولیت پذیری در قبال اعمال یکسانی ثواب عقاب در اعمال مشابه و شناخت و فهم اصول دیدن به طور یکسان و در حیطة عقل عمل چون اختیار - ادراک خوبی دیدی و نیروها انگیزشی به سمت خوب و بد و... مشترک در زن و مرد می‌باشد

ب. آیات مربوط نفس: یعنی در ایاتی تصریح می‌شود زن و مرد از نفس واحد آفریده شده اند آنجا که می‌فرماید؛ ای مردم، پروردگاری را بپرهیزید که شما را از حقیقی یگانه آفرید و از همان، همسر او را نیز آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بی شماری را در زمین پراکنده (سوره نساء آیه ۴)

ج. آیه‌ها آفرینش و سیر پیدایش انسان: در این آیات به آفرینش یک اصلی چون روح و قرع چون بدن اشاره شده است؛ «آیا (آدمی) نطفه ای از آب ریخته شده نبود که سپس علقه شد. پس خداوند او را آفرید و استوار بخشید و از همان (نطفه) دو زوج زن و مرد را ایجاد کرد» (سوره قیامت آیات ۳۷ - ۳۹) و در

در ساحت مشارکت اجتماعی، از ملکه سبا یاد می‌کند که کشوری را اداره می‌کند او زنی عاقل بود که به سلیمان گردید (سوره نمل آیات ۳۴-۳۲-۲۹-۲۳) قرآن کسب و تلاش اقتصادی زن را محترم می‌شمارد (سوره نسا ایه ۷) و در برخورداری زن و مرد از آنچه با کسب و کار خود دست می‌آیند تفاوتی نمی‌بیند. (سوره نسا ۳۲) همچنین زنان را از بروز دادن و زنانگی وانوشت در مشارکت‌های اجتماعی باز می‌دارد (سوره‌های احزاب ۳۲ و نور ۳۱) قرآن کریم خصلت منفور جاهلی نسبت به دختران را به شدت نکوهش میکند (سوره نمل ایه ۵۸-۵۹). پس در قرآن در بیشتر آیات مربوط به زن و مرد بود؛ برتری مرد به زن مطرح نبود بر خلاف آنچه در جاهلیت نخستین. باب بود بلکه اسلام در مواردی زنان نخبه تاریخ را به عنوان الگو برهمگان معرفی می‌کند و آن هم به دلیل شایستگی‌های آنان و نه فقط به علت زن با مرد بود اشخاص بر خلاف تفکرات افراطی جاهلیت مدرن در عقاید فمینیسم که زن‌ها را در نظریه تخصم فقط بر اساس ویژگی‌های زنانه شان جنس برتر می‌شمرد نه براساس ویژگی اکتسابی در کسب شایستگی و برتری اخلاقی و اجتماعی و یا در نظریه استقلال که نتیجه عملی اعتقاد به برابری زن و مرد است، زن و مرد را دو موجود کاملاً یکسان که به طور طبیعی از یکدیگر بی‌نیازند در واقع زن. را وارد دنیایی می‌کند که بر اساس اصالت سود و فایده‌گرایی و اصالت لذت و آزادی‌های فردی و فردگرایی مفرط است بنابراین در این معرکه زنان مردان را رقیبانی سرسخت و حتی دشمن اصلی خود برای تحقق این دنیای سودگرایانه می‌بیند. اما اسلام زن و مرد را مکمل یکدیگر می‌بیند، زنان و مردان نیاز همسان و و لازم به همدیگر دارند که در آیات به منزله لباس هم بودن آمده است؛

«انان برای شما لباس هستند و شما (مردان) برای آنان لباس هستید» (سوره بقره آیه ۱۸۷)، بنابراین در اسلام زن و مرد را یک روح در دو بدن می‌بینید در واقع اسلام با ترویج تفکر هر کدام از زن و مرد را به تنهایی موجودی ناقص فرض می‌کند پس لزومیت تشکیل خانواده و اکرام زن و مرد را در این کانون برای تحقیق کمال هر دو جنس لازم می‌داند. اما آنچه از تفسیر مفسران از این آیه به ذهن خطور می‌کند مواردی چون؛ ۱ حفظ از رسوایی، همسران یکدیگر از لحاظ جنسی ارضا کرده دارد و از رسوایی جنسی و هجوم آفات آن بر حذر می‌دارد همانگونه که لباس انسان را از رسوایی برهنگی حفظ می‌کند (الصادقی، ۱۴۰۶، ج ۲، ۵) ۲ عیب پوشی؛ همانطور که لباس معایب جسمانی را می‌پوشانند و مرد و زن هم معایب یکدیگر را می‌پوشانند و باعث رشد و کمال یکدیگر می‌شوند ۳ مانع ناهنجار بها روانی و روحی می‌شده؛ همانطور که فرد بودن لباس وضعیت ناهنجاری دارد، انسان بدون همسر نیز دراسترس به سر می‌برد همسر چونان لباس روان فرد را تحت تاثیر قرار داده و از نظر عاطفی و روانی، آرام بخش انسان است -۴- آراستگی زینت - همان طور که لباس مناسب از مدل، طراحی و رنگ، موجب آراستگی انسان است همسر خوب نیز زندگی مشترک را پر از طراوت و برازندگی می‌کند -۵- همسنگی و پیوستگی، همان طور که لباس نزدیک ترین شیئی به ادم است همسران پر نزدیکترین افراد از نظر جنسی، عاطفی، اخلاقی است پس همسران بایستی با رعایت عفاف در برابر دیگران، نهایت دلبری، هم دلی و هم رازی را درباره یکدیگر را با این تفاسیری که گذشت به نظر می‌رسد که نظریه مکملیت عصر حاضر به نظرات اسلام نزدیک است انجا که زن و مرد را دو موجود

امره‌م شوری بینهم» که امر به مشورت با همدیگر می‌کند به وضوح دیده می‌شود. مهمترین نماد مشارکت سیاسی زن در اسلام، بیعت زنان با پیامبر گرامی بود (سوره ممتحنه آیه ۱۲) و همچنین آنچه از تاریخ برآمده آنکه پیامبر در بسیاری از امور مشاورانی که زن بودند استفاده می‌کرد. چون خدیجه کبری. همچنین حضور و نقش زنان در جنگ‌های مختلف که علاوه بر حضور مستقیم خود در جنگ در تدارکات و پشتیبانی جنگ، پرستاری و مداوای مجروحان، حمل و نقل آب و غذا به جبهه‌ها، رساندن مهمات به رزمندگان و آنچه از صدر اسلام به ما رسیده همگی حاکی از این است زنان چون مردان از حقوق سیاسی برخوردارند و از دستیابی زنان به مناصب حکومتی منع نشده اند حضور علمی: نزول آیات الهی دال بر فراگیری علم و دانش توسط مسلمان توصیه‌های فراوان پیامبر از جمله «طلب العلم فریضه علی کل مسلم» علم آموزی بر زنان و مردان مسلمان از درجه اهمیت بالایی برخوردارند. «در این راستا در زنانی از اسلام که صاحبان علم و اندیشه و فقاہت بودند کسانی چون، همسر جابر بن عبدالله انصاری - دختر ابوالاسود دوئلی، حضرت فاطمه ام سلمه، حفصه، حضرت عالی جابر بن ام سلمه حفصه - دختر ابوذر غفاری - دختر حریق عمدی - دختر حجر بن عدی - دختر مسلم بن عقیل، اسره احترام سلمه - دختران ائمه هدی - دختر سید مرتضی - دختر شیخ طوسی - دختر شهید اول - یا پیامبر که روزهایی را به درخواست زنان خود برای کسب دانش و موعظه به آن تعلیم می‌داد» (عظیمی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۱۱۳) در باب اهمیت آموزش خانواده، رسول گرامی اسلام می‌فرماید: هنگام ملاقات گناهکاران با خداوند سبحان (در قیامت) گناه کسی

متفاوت از نظر ویژگی‌های متفاوت، ارزشمند می‌باشند. در واقع نظام حقوق معینی بر پایه شریعت بین زنان و مردان برقرار شده است که علاوه بر ایفای نقش‌های طبیعی بایستی نقش‌هایی که بر پایه قانون بر عهده آنان نهاده شده با تعاون و مشارکت هر دو جنس هم در حیطه خانواده و هم در اجتماع به خوبی اجرا شود در تفسیر آیات قرآن آمده؛ آرامش و سکوت در زندگی زناشویی از آنجا نشأت می‌گیرد که این دو جنس مکمل یکدیگرند و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش هم می‌باشند، به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل آن چنین جاذبه‌ی نیرومندی وجود داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ۳۹۱). از میان مفسران و محققان اسلامی افرادی چون محمد حسین طباطبایی با نظریه مکملیت تا بدان جا موافق است که تشابه مکمل بودن زن و مرد را به لباس این گونه تبیین میکند: لباس (بقره آیه ۱۸۷) همان معنای معروف را دارد، یعنی آنچه انسان با آن بدن را می‌پوشاند این دو جمله به صورت استعاره به کار رفته‌اند، زیرا هر یک برای دیگری لباسی است که با او ناپیدایی‌هایش را می‌پوشاند (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۲، ۴۴) در واقع از این تفسیر به ذهن خطور می‌کند راهبردی است که از طریق هم پوشانی زن و مرد در خانواده در نهایت باعث عزتمندی آنها در اجتماع می‌شود یعنی همسران یکدیگر را از انحراف و لغزش‌ها حفظ می‌کند که این همان معروف است و همچنین در بحث پوشاندن معایب زن و مرد به آنجا می‌رسیم که زن و مرد که کامل کننده یکدیگر هستند بایستی با مشورت در اموری که یکی از دو طرف کم و کاستی و دیگری فزونی در عقل و عمل دارد باعث رشد و کمال هم شوند و این در آیه «و

خانواده گرایی نوعی شیوه زندگی محسوب می‌شود که در آن خاندان مقدس می‌باشد و همسر داری فرزند پروری را جز ارزش ای غیر قابل انکار به شمار می‌رود. نظر اسلام و قرآن در مقابل سوالی که آیا زندگی خانوادگی انسان طبیعی است یا معلول عوامل دیگر از زبان قرآن بایستی به آن جواب داد آنجا که می‌فرماید: «از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بر آنها آرام گردید و میانتان دوستی و رحمت نهاد ریا در این سخت برای مردان می‌اندیشند و قطعاً نشانه‌هایی است،» بنابراین به نظرات محققین اسلام چون رهبر انقلاب که می‌فرمایند؛ خاندان یک نهاد طبیعی است و به طور طبیعی باید به وجود بیاید و رشد کند. (خامنه- ای، ۱۳۹۳، ۲۷). نفی هرگونه رابطه‌ی جنسی خارج از خانواده در جهت‌انتهایی‌گریزه جنسی چون رابطه اوستانه ازدواج سفید، همجنسگرایی اما لوازم این خانواده گرایی چیزی جز (۱) تسریع و تسهیل در ازدواج (۲) تحکیم و تعالی خانواده از طریق آموزش و مهارت‌افزایی و حمایت از خانواده ممکن نمی‌شود.

۵-۳-۱-۱-۲. حضور اجتماعی زن مسلمان

حضور اجتماعی زن مسلمان در عرصه‌ها چون: الف. اداری و استخدامی: اسلام بر حق اشتغال زنان در قرآن تاکید کرده آنجا که خداوند در قرآن بیان داشت برای زنان از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند و بهره‌ای است (سوره نسا، آیه ۳۲). در روایات نیز گزارش‌هایی از فعالیت‌های شغلی زنان به چشم می‌خورد مثل ماجرای زن عطر فروشی که بر زنان پیامبر عطر می‌فروخته که پیامبر خطاب به او می‌فرماید؛ تو هرگاه به منزل ما، می‌آیی منزل ما را خوشیوی می‌کنی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ۱۵۱) که از لحن آن حضرت

که همسر و اولادش را جاهل نگه داشته، بزرگتر از سایر گناهکاران است) نظرات برخی از بزرگان اسلام در مورد جایگاه زن پیامبر اکرم می‌فرماید: هر چقدر ایمان بنده بیشتر شود محبتش به زنان افزون می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ۲۲۸). در راستای به رسمیت شناختن حقوق اقتصادی زن در اسلام از جمله حق مالکیت، حق کسب و کار حق ارث. مهر و نفقه، به زن از نظر اقتصادی به صورت فرد مستقل نگریسته شد که با اشتغال و حضور اقتصادی خود از مزایای آن بهره‌مند و مالک هر آنچه به دست آورده شود تا آنجا که اگر شوهرانشان بدون اذن آنان از اموالشان بر دارند قابل پیگیری می‌باشند.

۵-۳-۱. الگوی سوم اسلام

اما آنچه در این تحقیق از آن بنام الگوی سوم یاد می‌شود چیزی که بعد از جریان‌های جهالت نخستین و مدرن و ارائه‌الگوهای از این تفکرات برای زن در اسلام نیز الگوی سوم زن را از دیدگاه خود برگرفته از آیات و روایات ارائه داده است به ضعف‌ها و کاستی‌های بی‌شمار این جهالت‌ها را می‌پوشاند و الگویی بی‌نقص که مناسب زمان و مکان حال است را عرضه می‌کنند اما آنچه از منظر الگوی سوم زن بیشترین نمود دارد ارائه‌طرحی که بیشترین توجه به خانواده و حضور اجتماعی زن دارد.

۵-۳-۱-۱. شاخصه‌های الگوی سوم

در این قسمت به تبیین شاخصه‌های الگوی سوم پرداخته خواهد شد.

۵-۳-۱-۱-۱. خانواده‌گرایی زن مسلمان

تمامی مقررات و نظامات اسلامی به عنوان گشایش در میسر آمده است. در واقع اسلام با این منطق که اگر حقوق زنان را به آنان اعطا نکنیم آنان دچار آسیب های روحی و روانی و اجتماعی گشته که قادر نخواهند بود مردان خردورز و متدین، متعادل و حق گرا تربیت نمایند و همچنین با تکریم زن و جایگاه او به عنوان همسر - مادر و حتی در جایگاه فرزند چنان شخصیت بی بدیلی برای زنان قائل شده که باعث افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس وافر زن مسلمان آگاه به حقوق خود می شود اما در این راستا گاهی فقه شیعی توجهی خاص به زن می کند و حتی حرمتی دو چندان برای جنازه زن بیش از مرد قائل می شود تا آنجا که در تعیین حد زنا برای جنازه زن کیفی شدید تر برای مرد مرتکب در نظر می گیرد. اسلام در قرآن خود از همسر حضرت ابراهیم، دختران حضرت لوط، مادر و خواهر حضرت موسی و همسر فرعون - مادر حضرت عیسی و در نهایت از فاطمه زهرا به صورت مستقیم و غیر مستقیم صحبت می کند. این مهم در بردارنده الگوی سومی است که برآورنده ترین الگوی زن برای ارائه به جهان می باشد.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

نه تنها نفی آن زن بلکه نوعی تایید نیز میباشد. ب. علمی و آموزشی: اسلام کلیه مسلمانان از زن و مرد را به فراگیری دانش ترغیب کرده و دانا را بر نادان برتری داده است (سوره زمر آیه ۹) و یا در جایی دیگر رسول اکرم فراگیری دانش را بر هر زن و مردی واجب شمرده است (جعفر بن محمد (ع)، ۱۴۰۰، ۱۳) ج. مشارکت سیاسی: اسلام در اعطای حق سیاسی به زنان پیشتاز و بر دول غربی تقدم تاریخی دارد که مصادیق آن چون، الف، بیعت زنان با رسول خدا (سوره ممتحنه آیه ۱۲) در واقع پیامبر بیعت مردان با او کفایت نکرده بلکه زنان را به طور جداگانه به بیعت با خود فرا خواند؛ د. مسئولیت زنان در امر به معروف و نهی از منکر قرآن در آیه ۷۱ سوره توبه زنان را نیز چون مردان موظف به انجام امر به معروف و نهی از منکر می کند.

۶. نتیجه

اسلام نه مثل جاهلیت نخستین زن ستیز است و نه مرد محور و نه مثل جاهلیت مدرن (فمینیسم) که زن محور است و مرد ستیز، اسلام در میانه افراط جاهلیت نخستین و تفریط جاهلیت مدرن (فمینیسم) حد وسط را پیشه گرفته، انسان پرور و انسان محور است نتیجه این افراط و تفریط چیزی جز از هم پاشیدگی نظام هستی نیست. اما از آنجا که خلقت دو جنس زن و مرد هدفمند بودن و حکیمانه بودن این خلقت در مسیر نظام و نظم هستی می باشد، لطائف و ظرائف اینگونه مکاتب هر چند به نظر حکیمانه بیایند زوال پذیرند زیرا بر خلاف نظام هستی حرکت می کنند. اعطای حقوق طبیعی زن و مرد بر اساس ویژگی های جسمی و روحی و روانی آنان بهترین راه حل است یعنی همان چه که در

منابع

- صدر، بنت الهدی، زن در اسلام، ترجمه؛ سید مشتاق الحلو، تهران، نشر عابد، جلد اول، ۱۳۹۷.
- صدیقی، مرضیه، نگاهی به روند جهانی جنبش زنان و موقعیت زن، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.
- عظیمی، زهرا، نگاهی به حقوق زن در اسلام، قم، انتشارات زلال کوثر، ۱۳۸۶.
- علاسوند، فریبا، زن در اسلام (جلد اول)، قم، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۰.
- علویقی، علی اکبر، زن در آیینه تاریخ، نوبت چاپ اول، تاریخ نشر ۱۳۷۸.
- فتاحی زاده، فتحیه، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر احبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالاسلامیه، ۱۳۸۷.
- مکنزی، یان، مقدمه‌ای برای ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه محمد قائد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۵۷.
- موتراکین، سوزان، زن از دیدگاه فلسفه غرب، ترجمه نادر نوری زاده، تهران، قصیده سرا، ۱۳۸۳.
- ابوزهرة، الامام محمد، تنظیم السلام نلمجتمع، دارالفکر العربی ۱۹۷۵ م.
- آشتیانی، جلال الدین، تحقیقی در دین مسیحیت، نوبت چاپ: اول، تهران به نگارش، تاریخ نشر ۱۳۶۸.
- برگسون، هانری، دو سر چشمه دین و اخلاق، ترجمه حسن حبیبی، چ ۱، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۸۵.
- جعفر ابن محمد، صادق (ع)، مصباح الشریعه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ ق.
- جیمز، سوزان، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ترجمه عباس یزدانی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲.
- خامنه‌ای، سید علی، زن و خانواده، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
- دورانت، ویل، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- راجی، سید محمد حسین، ناگفته‌های صورتی (روایت ظلم تاریخی به زنان)، دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها)، قم، ۱۳۹۲.
- زیدان، جرجی، تاریخ التمدن الاسلامی، دارالمکتبه الحیاه، بیروت، بی تا.
- الصادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، چاپ ۲، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.

- نوری، یحیی، حقوق زن در اسلام و جهان، تهران، چاپ مصطفوی، بی تا.

- هام، مگی، گمبل، سارا، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه فیروزه مهاجر نوشین احمدی خراسانی و فرخ قره داغی، تهران، نشر توسعه، ۱۳۸۲.

- وایت، راب، هینز، فیونا، جرم و جرم شناسی، ترجمه علی سلیمی ج. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۱.